درمکتب امام

مرگ بر همه ظالم‌های دنیا

مـــرگ بر همه ظالم‌های دنیـــا. مرگ بر آنهایی که دارند مردم را و ملت‌ها را می‌چاپند و با تبلیغات خودشان، خودشان را یک ملت یا یک دولت صلح‌طلب حساب می کنند اینها در حال مرگ هستند. آنی که باقی است خدای تبارک و تعالی است. آن که هست و همیشه هست او است.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۲۵۱ | جماران؛ ۲۵فروردین۱۳۶۶

مقاله وارده

سندروم بی‌قرار مذاکره!

دکتر حسن خلیل خلیلی

بعضی‌ها انگار با «مذاکره با آمریکا» آرام می‌شوند! هنوز گردوغبار یک بحران یا جنگ فرو ننشســـته، هنوز صدای تهدید دشـــمن در گوش‌هاست، عده‌ای شب و نصفه‌شـــب دنبال باز کردن باب مذاکره‌اند؛ گویی مذاکره با آمریکا نه یک ابزار سیاســـت خارجی، بلکه مُسکنی دائمی برای بی‌قراری سیاسی آنهاست! این رفتار اگر یک‌بار و دوبار اتفاق می‌افتاد، می‌شـــد آن را یک انتخاب سیاســـی دانست؛ اما وقتی در هر بحران، با هر فشار و پس از هر تهدید، نسخه مذاکره تکرار می‌شود، دیگر باید برای آن نامی پیدا کرد: سندروم بی‌قرار مذاکره!

سیاست خارجی هر نظام سیاسی، آزمون واقعی مدیریت راهبردی در میدان پیچیدگی‌های بین‌المللی است. امروز دشمنان آمریکایی و صهیونیستی، همزمان از فشار اقتصادی، جنگ رســـانه‌ای، تحریم و تهدید نظامی استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، مسئله اساسی این است که فشار بیرونی چگونه در داخل مدیریت می‌شـــود؛ آیا به تقویت توان ملی، انسجام داخلی و فعال‌سازی ظرفیت‌های کشور منجر می‌شود یا به اضطراب و بی‌قراری در تصمیم‌گیری سیاسی؟

اینجاســـت که رفتار برخی قابل تأمل می‌شود. هنوز بحران به پایان نرسیده، هنوز تهدید دشـــمن پابرجاست و هنوز فشارها ادامه دارد، عده‌ای به‌جای آنکه از خود بپرســـند چگونه باید قدرت ملی را افزایش داد و هزینه فشار را برای دشمن بالا برد، فوراً ســـراغ موضوع مذاکره می‌روند. گویی برای آنان، مذاکره نه یک ابزار مشروط به منافع ملی، بلکه یک «راه‌حل پیش‌فرض» است؛ تحریم باشد یا جنگ، تهدید باشد یا بحران اقتصادی، نسخه یکی است: مذاکره با آمریکا!

اما سؤال ساده و بنیادین این است: مذاکره برای چه؟

مذاکره هدف نیست؛ ابزار است. و ابزار زمانی ارزشمند است که هدف، هزینه، دستاورد و نسبت میان این دو روشن باشد. اگر قرار است با آمریکا مذاکره کنیم، باید معلوم باشـــد برای چه هدفی، از چه موضعی، با چه تضمینی و در برابر چه امتیازی. بدون پاسخ روشن به این پرسش‌ها، اصل مذاکره به جای آنکه در خدمت منافع ملی قرار گیرد، می‌تواند به موضوعی مســـتقل و حتی مقدس تبدیل شود؛ چنان‌که گویی نفس نشستن پای میز مذاکره، خود یک دستاورد است!

مذاکره فی‌نفســـه نه مقدس است و نه مذموم. دیپلماسی نیز به معنای قطع ارتباط با جهان نیست. سخن بر سر یک اصل عقلانی است: مذاکره باید در خدمت قدرت و منافع ملی باشد، نه اینکه قدرت و منافع ملی قربانی مذاکره شود.

مذاکره‌کننده مقتدر برای نشستن پای میز بی‌تابی نمی‌کند. او زمانی مذاکره را انتخاب می‌کند که محاســـبه کرده باشد هزینه مذاکره کمتر از هزینه مذاکره نکردن و دستاوردش بیشتر از امتیازاتی است که قرار است واگذار کند. اما «سندروم بی‌قرار مذاکره» دقیقاً نقطه مقابل این منطق است؛ در این‌جا اصل بر مذاکره است و محاسبه سود و زیان به حاشیه می‌رود. خطر بزرگ‌تر اما آنجاست که این بی‌قراری، پیام بسیار خطرناکی برای دشمن ارسال می‌کند: فشار جواب می‌دهد!

وقتی دشـــمن می‌بیند با افزایش تحریم، تهدید یا فشـــار نظامی، عده‌ای در داخل بی‌قرار شـــده و خواستار مذاکره می‌شـــوند، طبیعی است که نتیجه بگیرد برای گرفتن امتیاز بیشـــتر، باید فشار را بیشتر کند. به عبارت روشن‌تر، اگر فشار دشـــمن با درخواست مذاکره از سوی ما پاسخ داده شود، دشمن را به ادامه فشار تشویق کرده‌ایم. این همان محاسبه‌ای است که نباید در ذهن دشمن شکل بگیرد.

آمریکا مذاکره را صرفاً برای «گفت‌وگو» نمی‌خواهد. هیچ قدرتی برای گفت‌وگو پای میز نمی‌نشـــیند؛ هر دولتی در مذاکره به دنبال تأمین منافع خود است. اگر آمریـــکا بتواند از مذاکره برای مهار قدرت ایران، توقف پیشـــرفت‌ها، خرید زمان، گرفتن امتیازات بیشتر یا ایجاد شکاف در داخل کشور استفاده کند، چرا نباید از آن استقبال کند؟

تجربه ســـال‌های گذشته نیز نشان داده است که اعتماد به وعده‌های آمریکا، بدون تضمین واقعی و بدون برخورداری از قدرت بازدارنده، نسخه مطمئنی برای تأمین منافع ملی نیست. مسئله بر سر نفی مذاکره نیست؛ مسئله بر سر این است که نباید به دشمن اجازه داد از ما نیاز به مذاکره را استشمام کند و از آن به‌عنوان اهرم فشار استفاده کند.

اینجاســـت که باید میان «دیپلماســـی» و «مذاکره‌زدگی» تفاوت گذاشت. دیپلماسی، هنر استفاده هوشمندانه از همه ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی برای تأمین منافع کشور است؛ اما مذاکره‌زدگی یعنی اینکه برای هر مشکلی، حتی مشکلی که راه‌حل آن در داخل و در میدان قدرت قرار دارد، نسخه مذاکره با آمریکا تجویز کنیم.

رهبر شهید انقلاب بارها درباره مذاکره با آمریکا هشدار دادند و تجربه تاریخی نیز نشـــان داده اســـت که مذاکره از موضع ضعف و اضطرار، نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند اشتهای طرف مقابل را برای مطالبه امتیازات بیشتر افزایش دهد. بنابراین، آنچه امروز کشور به آن نیاز دارد، نه «مذاکره برای فرار از بحران»، بلکه دیپلماسی مبتنی بر قدرت ملی است.

کشـــوری که از موضع قدرت مذاکره می‌کند، با کشوری که برای رسیدن به میز مذاکره بی‌تابی می‌کند، زمین تا آسمان تفاوت دارد. مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل بداند «نه» گفتن ایران نیز برای او هزینه دارد. اگر دشمن مطمئن باشد که فشار بیشتر، ایران را مشتاق‌تر به مذاکره می‌کند، فشار را افزایش خواهد داد؛ اما اگر بداند فشـــار، مقاومـــت و افزایش هزینه برای او را در پی دارد، محاسباتش تغییر می‌کند.

پس خطاب به کسانی که در هر بحران نسخه مذاکره می‌پیچند، باید یک سؤال روشن و بی‌پرده مطرح کرد: اگر مذاکره قرار است انجام شود، دقیقاً چه دستاورد مشخص و تضمین‌شده‌ای قرار است به دست آوریم که بدون مذاکره ممکن نیست؟ و اگر امتیاز متقابل و تضمین معتبر در کار نیست، چرا این‌قدر برای مذاکره بی‌قراریم؟

منافع ملی با بی‌قراری تأمین نمی‌شـــود. سیاســـت خارجی عرصه هیجان و واکنش‌های لحظه‌ای نیســـت؛ عرصه محاســـبه قدرت، هزینه، فایده و منافع ملی است. گاهی «مذاکره نکردن» نه انفعال، بلکه عاقلانه‌ترین و مقتدرانه‌ترین تصمیم دیپلماتیک است.

امروز کشـــور بیش از هر چیز به ثبات اســـتراتژیک، خودباوری، تقویت توان دفاعی، پیشرفت علمی، اقتصاد قدرتمند و انسجام داخلی نیاز دارد. قدرت چانه‌زنی پشت میز مذاکره، در خود میز ساخته نمی‌شود؛ محصول قدرتی است که پیش از نشستن پای میز، در میدان واقعیت ایجاد شده است.

اگر روزی مذاکره‌ای ضرورت پیدا کرد، باید این مذاکره نتیجه قدرت ما باشد، نه محصول اضطراب ما؛ باید از موضع اقتدار باشد، نه برای فرار از فشار. میز مذاکره نباید «مکان التماس برای بقاء» باشد؛ باید خروجی قدرت ملی باشد.

دشمن باید بفهمد که با افزایش فشار، ایران را بی‌قرار نمی‌کند و به میز مذاکره نمی‌کشاند. اگر روزی قرار باشد مذاکره‌ای صورت گیرد، این ایران است که باید زمان، مکان، موضوع و شرایط آن را تعیین کند؛ نه از سر اضطرار، بلکه از موضع قدرت.

این همان مرز میان دیپلماسی عزتمندانه و مذاکره‌زدگی است؛ میان «مذاکره از موضع قدرت» و «بی‌قراری برای مذاکره».

و سرانجام، باید این حقیقت ساده را به خاطر سپرد:

میز مذاکره، وقتی ارزشمند است که پشت آن قدرت باشد؛ نه اضطرار.

این دیپلماسی مقتدرانه است؛ نه سندروم بی‌قرار مذاکره!

شهردار اصفهان:

بهره‌برداری کامل از میدان شهید فخری‌زاده اصفهان تا پایان شهریور

اصفهان- خبرنگار کیهان:

شـــهردار اصفهان از بهره‌بـــرداری کامل میدان شـــهید فخری‌زاده شامل۱۱پل، زیرگذر و تقاطع غیرهمسطح تا پایان شهریور خبر داد.

علی قاسم‌زاده شـــهردار اصفهان در جمع خبرنگاران با تبریک فرارسیدن روز خبرنگار به اصحاب رســـانه و گرامیداشت یاد و خاطره شهید محمود صارمی اظهار داشـــت: میدان شهید فخری‌زاده یکی از بزرگ‌ترین و فنی‌ترین پروژه‌های در حال اجرای شهرداری اصفهان است که با وجود گستردگی و پیچیدگی‌های فنی، سرعت پیشرفت آن بسیار مطلوب و بالا است.

وی افزود: این ابرپروژه شـــامل ۱۱ پل، زیرگذر و تقاطع غیرهمسطح است که محور شمالی-جنوبی آن هفته گذشته زیر بار ترافیک رفت و تا هفته آینده نیز محور شرقی- غربی آن بازگشـــایی خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود تا پایان شهریور تمام تقاطع‌ها و پل‌های این میدان بزرگ آماده بهره‌برداری کامل باشد.

گزارش روز صد و شصت و هشتم جنگ

ابرقدرت در تله افتاده است
نقشه‌های بی‌نقص ایران، آمریکا را زمینگیر کرد

اسناد و نشانه‌های شکست بی‌سابقه آمریکا در جنگ، هر روز بیشـــتر می‌شود و عرصه را بر دولـــت ترامپ تنگ‌تر می‌کند. جنگ علیه ایران نه‌فقط دســـتاوردی برای آمریکا نداشت، بلکه ضعف‌های راهبردی ایالات متحده را که پشـــت هیبت ابرقدرتی پنهان بود، آشکار کرد و همین موجب شـــده که ترامپ و دولتش مورد هجو و اعتراض گســـترده در داخل آمریکا قرار بگیرند. به گزارش مجله اکونومیست، «محبوبیت ترامپ به پایین‌ترین حالت خود رســـیده. حتی کمتر از کمترین محبوبیت دوره اول خودش و حتی بایدن». همچنین وبگاه هیل نزدیک به کنگره آمریکا خبر داد: ۸۸ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که آمریکا به اهداف خود در جنگ با ایران دست نیافته است. در این شـــرایط، دولتمردان ترامپ همچون خود وی، به جای اصرار بر لاف غیرقابل‌قبول پیروزی در جنگ، روی این ادعا متمرکز شده‌اند که ایران تحت محاصره دریایی قرار گرفته و بازار انرژی در حال مدیریت شدن است. اما همزمان، روزانه بیش از ده میلیون بشکه نفت از ذخایر راهبردی آمریکا کم می‌شود و به نقطه خطر نزدیک‌تر می‌گردد. خود این اتفاق، سند نقض بر ادعای مدیریت تنگه هرمز و بازگشایی آن و بازگرداندن آرامش به بازار است.

هدف جنگ تغییر کرد: پایین آوردن قیمت نفت!

جـــی‌دی ونس، معـــاون رئیس‌جمهـــوری آمریکا دیروز گفت پایین نگه‌داشتن قیمت نفت و بنزین برای شهروندان آمریکایی، اولویت اصلی دولت دونالد ترامپ در جنگ با حکومت ایران است و جلوگیری از دستیابی تهران به ســـلاح هســـته‌ای در اولویت بعدی قرار دارد. ونس در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز گفت: «قیمت نفت امروز کاهش یافته و نسبت به اوج قیمت‌ها در روزهای اولیه درگیری بســـیار پایین‌تر آمده است. دولت آمریکا تلاش می‌کند کشورهای خلیج‌فارس به صادرات نفت و گاز ادامه دهند تا ثبات بازار جهانی انرژی حفظ شـــود. بازگرداندن ثبات به تنگه هرمز، قیمت‌های پایدار نفت و گاز را تضمین خواهد کرد. هدف اول ما اکنون تضمین ادامه عرضه انرژی به اقتصاد جهانی و ارزان نگه داشتن نفت و گاز برای مردم آمریکاســـت. و البته هدف شماره دو این اســـت که اطمینان حاصل کنیم ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کند.

از وعده ۲ دلاری تا بنزین ۵ دلاری!

این اظهارات نشان می‌دهد معاون ترامپ، همچنان نگران افزایش قیمت نفت و عدم جبران کسری موجود در بازار است؛ ماجرایی که موجب گرانی افسارگسیخته بنزین، خشم مردم آمریکا و سقوط رکوردگونه مقبولیت ترامپ شـــد و زنگ خطر را برای انتخابات سه ماه بعد کنگـــره به صدا درآورد. ونس حتی از اســـم جنگ هم می‌ترســـد و ترجیح می‌دهد مانند مقامـــات دیگر، نام درگیری بر روی آن بگذارد تا از بار روانی ماجرا بکاهد و حال آن‌که در آغاز کار، همین جنگ مایه مباهات دولت ترامپ شمرده می‌شد. اما آنچه مایه تحقیر و تمسخر و ملامت ترامپ اســـت، این واقعیت است که تنگه هرمز قبل از جنگ باز بود و قیمت نفت در قعر قرار داشـــت. جنگ احمقانه، موجب انسداد تنگه هرمز، تقریباً دو برابر شدن قیمت نفت و صعود بنزین به پنج دلار در آمریکا شـــد. این در حالی است که یکی از وعده‌های انتخاباتی ترامـــپ، بنزین دو دلاری بود. حالا ونس اذعان می‌کند که نه برنامه هسته‌ای و نه توان نظامی و نفوذ منطقه‌ای تقویت‌شده ایران، مسئله اول نیست. بلکه آنها دست‌وپا می‌زنند تا بازار انرژی دوباره متلاطم نشـــود و باقیمانده حیثیت ترامپ را به زیر نکشد!

آمریکا در تله افتاد؛ ایران قوی‌تر شد

جرارد بیکر، سردبیر وال‌استریت ژورنال دیروز هشدار داد: سوءمحاســـبه ترامپ نتیجه عکس داد؛ ایران از دل جنگ قوی‌تر بیـــرون آمد و آمریکا در تله افتاد. ترامپ تصور می‌کرد با کشـــته شـــدن رهبر ایران، نظام دچار فروپاشی یا در برنامه هسته‌ای انعطاف‌پذیرتر می‌شود؛ اما رهبری جدید حکومت سرسخت‌تر شدند و با بستن تنگه هرمز و امتیاز ندادن در برنامه هسته‌ای، محاسبات ترامپ را برهم زدند و او را ناچار کردند بار دیگر به سمت کاهش تنش و برون‌رفت از جنگ برود. ترامپ می‌داند برون‌رفـــت از جنگ، ایران را از این هم قوی‌تر می‌کند؛ حکومت ایران نه‌تنها از دل جنگ زنده بیرون آمده، بلکه قوی‌تر هم شده است. در نهایت، تداوم فشار اقتصادی نیز همانند تشدید تنش نظامی جواب نخواهد داد و آمریکا در برابر یک بن‌بست راهبردی قرار گرفته است. هیچ‌گونه فشار اقتصادی علیه ایران جواب نخواهد داد؛ ایرانی‌ها به هیچ عنوان بر سر تنگه هرمز امتیاز نخواهند داد و آمریکا نیز تا حد زیادی موشک‌های خود را از دست داده است.

خسارت‌های جنایت بزدلانه و دیگر هیچ!

از سوی دیگر، فرار ذلت‌بار ترامپ از ترکیه به خاطر تهدیدات امنیتی، نشانه دیگری از ضعف مطلق ناشی از جنگ تعبیر شده است. ران فیلیپ کوفسکی، دادستان سابق فدرال و ایالتی گفت: اگر قدرتمندترین ارتش جهان را کنترل می‌کنی، ولی در یک کامیون اشـــغالی مخفی می‌شوی، پس برنده نیستی. تامی ویتور، سخنگوی سابق شـــورای امنیت ملی آمریکا هم نوشت: تصویری که در ذهن از ترامپ در حال پنهان شـــدن از ایران داخل یک چرخ‌دســـتی حمل غذا شـــکل می‌گیرد، ویرانگر است. پیرمردی ضعیـــف و احمق کـــه از پیامدهای تصمیم خودش پنهان شده است. اِد کراسِنستِین، فعال رسانه‌ای آمریکایی، در همین زمینه به طَنز و طَعنه می‌نویســـد: بذار ببینم درست متوجه شـــدم... ترامپ صدها دختر دانش‌آموز را کشت. ترامپ اجازه داد سربازان آمریکایی کشته شوند. ترامپ اجازه داد صدها نیروی نظامی زخمی شوند. ترامپ باعث شد قیمت بنزین سر به فلک بکشد. ترامپ بخش قابل‌توجهی از ذخایر موشکی ما را مصرف کرد. همه این کارها برای این بود که در نهایت به ایران اجازه دهد کنترل تنگه هرمز را به دست بگیرد؟!

اردک لنگِ دچار زوال عقل

در حالی که رابرت دنیرو، ســـتاره هالیوود می‌گوید «ترامپ یک اردک لنگِ دچار زوال عقل اســـت که آلت دســـت قرار می‌گیرد و ایرانی‌ها مضحکـــه او را جدی نمی‌گیرند»، سایروس یانسن، تحلیلگر آمریکایی تأکید کرد: ترامپ رسماً هیچ گزینه‌ای برای حفظ آبروی خود در برابر ایران ندارد. او مسئول بزرگ‌ترین اشتباه سیاست خارجی ایالات متحده در تاریخ کشورمان است و ناگزیر باید تسلیم شود. این واقعاً باورنکردنی است که چگونه ایران، هر روز قوی‌تر می‌شود، در حالی که ایالات متحده هم‌زمان ضعیف‌تر می‌گـــردد. روزنامه هیل هم گزارش داد: اهرم فشار ترامپ علیه تهران شکسته است. کاهش شدید ذخایر موشک‌های تهاجمی و رهگیرهای پدافندی آمریکا پس از ماه‌ها جنگ با ایران، توان واشنگتن برای تشدید حملات علیه تهران را محدود کرده و در مقابل، قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات را افزایش داده است. ایران احتمالاً مدت‌هاست از محدودیت ذخایر تسلیحاتی آمریکا آگاه بوده و این مسئله می‌تواند در راهبرد تهران مؤثر بوده باشد.

هیچ راهی برای پیروزی ترامپ باقی نمانده است

ســـی‌ان‌ان با رد ادعای ترامپ مبنی بر اینکه تنگه هرمز باز اســـت، خبر داد: دونالد ترامپ، مدعی شده که تنگه هرمز باز است و نیروی دریایی ایالات متحده این آبراه را از مین‌ها پاک‌سازی کرده و کنترل آن را در دست دارد؛ اما داده‌های مربوط به کشتیرانی این ادعا را تأیید نمی‌کنند. هم‌زمان، مت بزکن، افسر سابق نیروی دریایی آمریکا گفته است: ترامپ راهی برای اعلام پیروزی ندارد. ایرانی‌هـــا حتی یک راه خروج آبرومندانه هم در اختیار او نمی‌گذارند. حتی کار را برای او آســـان نمی‌کنند که بتوانـــد اعلام پیروزی کند و به خانه برگردد. این روزها روزهای ســـختی برای دونالد است. چون در خاورمیانه تقریباً هیـــچ چیز برایش خوب پیش نمـــی‌رود. تریتا پارسی، معاون اندیشکده کوئنسی، هم گفت: آمریکایی‌ها هر روز بیشتر به شکست در جنگ علیه ایران باور دارند. تعداد آمریکایی‌هایی که جنگ با ایران را یک شکست و ناکامی می‌دانند، به‌طور پیوسته در حال افزایش است. در ماه ژوئیه، تنها ۱۲ درصد معتقد بودند که این جنگ به اهداف خود دست یافته است.

ابرقدرت، در تله بازیگری مصمم افتاده است

شکست‌های نظامی آمریکا هم در کانون بحث‌های سیاســـی و رســـانه‌ای قرار دارد. گلـــن ون‌هرک، ژنرال بازنشســـته نیروی هوائی آمریـــکا می‌گوید «پهپادها و تســـلیحات هوافضائی ایران، دمار از روزگار نیروهای ما درآوردند». در همین حال، روزنامه نیویورک‌تایمز نوشت که ایران، پدافند آمریکا در اردن را درهم شکست. این روزنامه با بیان «ابرقدرت، در تله بازیگری مصمم افتاده و هیچ پیروزی اســـتراتژیکی برابر ایران ندارد»، نوشت: پنج روز حملات بی‌امان به پایگاه‌های آمریکا در اردن، ســـرانجام هیمنه پدافندی پنتاگون را در هم شکست. در هفدهم جولای، یک موشـــک با عبور از تور دفاعی به یگان‌های مســـکونی پایگاه موفق الســـلطی اصابت کرد و ســـه سرباز را کشت و صد تن را مجروح ساخت. این فاجعه پرده از بحران لجستیکی عمیقی برمی‌دارد؛ زرادخانه رهگیرهای پاتریوت با سرعتی سرسام‌آور رو به نابودی است. ۱۵۰۰ فروند از این موشک چهار میلیون دلاری شـــلیک شـــده و موجودی به زیر ۱۷۰۰ فروند ســـقوط کرده اســـت. در یک روز از آن هفته خونین، پنجاه رهگیر پاتریوت شـــلیک شد که بحرانی غیرقابل جبران را با توجه به تولید سالانه تنها ۶۰۰ فروند نشان می‌دهد. این واقعیت میدانی در تضاد مطلق با ادعاهای پیت هگست، وزیر جنگ است که در ماه آوریل زرادخانه موشکی رقیب را کاملاً نابود شده خوانده بود؛ در حالی که ایرانی‌ها با بازیابی پایگاه‌های عمیق زیرزمینی خود، نه‌تنها حملات را از ســـر گرفتند، بلکه تردد تجاری در تنگه هرمز را نیز فلج کردند.

نقشه‌های بی‌نقص ایران، آمریکا را زمینگیر کرد

نیویورک‌تایمـــز افزود: نیروهای مهاجم، با ارســـال ترکیبـــی پیچیده از موشـــک‌های بالســـتیک، کروز و دســـته‌های پهپادی، رهگیرها را اشـــباع می‌کنند. اوج این بلوغ عملیاتی در سرنگونی جنگنده شصت میلیون دلاری اف-۱۵ ئی به نمایش درآمد. این ضربه، فرماندهان نظامی آمریـــکا را مجبور به توقـــف موقت درگیری‌ها برای بازنگری در تاکتیک‌هایشان کرد. در همین حال، گسترش عامدانه جغرافیای نبرد و فعال‌سازی جبهه‌های جدید توســـط نیروهای حوثی در صدها مایل دورتر در یمن، نشـــان‌دهنده برنامه‌ای جامع ایران برای کشاندن سیستم‌های دفاعی ایالات متحده به یک جنگ فرسایشی همه‌جانبه است. با وجود تکذیب‌های عصبی سخنگوی پنتاگون و مقصر دانســـتن رسانه‌ها، واقعیت تهی شدن انبارها، دونالد ترامپ را به عقب‌نشینی وادار کرد. در غیاب چتر حمایتی مطمئن آمریکا، هرگونه تشـــدید تنش به نابودی کامل زیرساخت‌های انرژی منطقه توسط حملات تلافی‌جویانـــه منجر خواهد شـــد. این تقاطع مرگبار از کمبود مهمات و مواجهه با دشمنی که جنگ نامتقارن را بی‌نقص مدیریت می‌کند، ثابت کرد چگونه یک ابرقدرت جهانی می‌تواند توسط یک بازیگر مصمم، زمین‌گیر شود.

فارین پالیسی: کیهان پیش‌بینی کرده بود

نشریه تخصصی فارین پالیسی از نقشه جامع ایران در جنگ خبر داده و می‌نویسد: حوثی‌ها همه‌چیز را برای ایران هزینه می‌کنند؛ نقشه جامع تهران برای خفه کردن اقتصـــاد جهانی و باج‌گیری از آمریکا. هم‌زمان با ادعای کاخ ســـفید مبنی بر باز بودن تنگه هرمز، تهران جبهه باب‌المندب را از طریق حوثی‌ها فعال کرد تا بن‌بســـت گلوگاه اول را جبران کند. این بازی استراتژیک پس از انهـــدام باند فرودگاه صنعا برای جلوگیری از نشســـتن هواپیمای ایرانی کلید خورد؛ رویدادی که بهانه حملات حوثی‌ها به فرودگاه ابها و تأسیسات آرامکو شد و قیمت نفت را به بالای ۱۰۰ دلار رساند. حسین شریعتمداری نماینده رهبر ایران در کیهان، پیش‌تر گشودن این جبهه را با موشک‌های ۲۳۰۰ کیلومتری پیش‌بینی کرده بود. هم‌زمان، حملات پهپادی گروه‌های شبه‌نظامی عراق به تأسیسات انرژی ریاض، محور هماهنگی را برای محاصره کامل عربستان و شوک اقتصادی به جهان تکمیل کرد. حوثی‌ها با تاکتیک‌هـــای ارزان‌قیمت نظیر پهپادهای کم‌هزینه و هشدارهای رادیویی، هزینه‌های هنگفتی بر واشنگتن و ریاض تحمیل کرده و سامانه‌های پدافندی آمریکا را فرسوده ســـاخته‌اند. همان‌طور که اسماعیل قاآنـــی، فرمانده نیروی قدس، تأکید کرده بود، کمربند امنیتـــی مقاومت اکنون از تنگه هرمـــز تا باب‌المندب گسترش یافته است.

فشار باب‌المندب
و فعال شدن گسل‌های سیاسی در واشنگتن

فارین پالیسی در ادامه نوشت: رسانه‌های حوثی این نبرد را جنگی اقتصادی تصویر می‌کنند که با هدف لغو بیمه کشتی‌های وابسته به عربستان طراحی شده است. عربستان که سرمایه‌گذاری سنگینی بر تنش‌زدایی کرده بود، در دام امتیازخواهی ســـاختاری گرفتار شده است. راهبرد ایران بر اعمال حداکثر فشـــار پیش از انتخابات آمریکا استوار است. تهران با تداوم ناامنی در باب‌المندب و نوســـان بازار انرژی، گســـل‌های سیاسی واشنگتن را فعـــال کـــرده و هزینه‌ها را به متحـــدان خلیج‌فارس و اروپـــا تحمیل می‌کند. نفوذ تنش‌های کاپیتول هیل بر منازعات منطقه‌ای، اهرمی به تهران داده تا نبرد با آمریکا را به بحرانی دائمی با هزینه دیگران تبدیل کند. شبکه نیابتی ایران فعال می‌ماند، حوثی‌ها با بودجه عربستان تثبیت می‌شوند.

باتلاقی کاملاً جدید با گزینه‌های بد

نشریه پولیتیکو دیروز گزارش داد: مقام‌های دولت ترامپ به بن‌بســـت در قبال ایـــران اذعان دارند. جنگ متجاوزانه علیه ایران، باتلاقی کاملاً جدید برای ایالات متحده است. مقامات دولت از نبود راهبرد مشخص در درگیری با ایران نگران هســـتند. الیوت آبرامز، مشـــاور پیشـــین ترامپ در امور خاورمیانـــه وضعیت کنونی را بســـیار خطرناک توصیف کرد و گفت دولت آمریکا در این زمینه از خود تردید و ناتوانی نشان می‌دهد. مقامات دولت ترامپ معتقدند ترامپ در بن‌بستی قرار دارد که همه گزینه‌ها برای او بد هســـتند. یک مقام آگاه گفت: من راهی برای خروج از این وضعیت نمی‌بینم. تیم دونالد ترامپ، فاقد درک اولیه از نظام ایران است.

خستگی و فرسودگی به ارتش آمریکا رسیده است

شبکه ان‌بی‌سی دیروز گفت: فرماندهان ارتش آمریکا نگرانی خود را درباره کاهش روحیه و فرسودگی نیروهایی مطرح کرده‌اند که ماه‌ها برای پشتیبانی از جنگ با ایران در منطقه مســـتقر بوده‌اند. این هشدارها به پنتاگون و کاخ سفید منتقل شـــده و نشان می‌دهد طولانی‌شدن مأموریت‌ها، علاوه‌بر فشـــار تسلیحاتی و لجستیکی، به مسئله نیروی انسانی و توان ادامه حضور نظامی آمریکا نیز تبدیل شـــده اســـت. هم‌زمان، وب‌سایت سی‌ان‌ان نوشت: فرسایش ذخایر موشکی، خستگی مفرط نیروها در ناو لینکلن و تهدیدات امنیتی علیه ترامپ، جنگ را به باتلاقی سیاســـی بدل کرده است. جنگ ایران برای رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از زمان آغازش، خوب پیش نرفته اســـت. با وجود حملات گسترده نظامی آمریکا و فشارهای اقتصادی، ایران نیازی به تسلیم شدن در برابر خواسته‌های ترامپ احساس نکرده است. و حتی زمانی که آتش‌بس‌هایی با شرایط مطلوب برای ایران برقرار شد، تهران همچنان به آن‌ها پایبند نماند. در میان همه این‌ها، ایران فقط جسورتر به نظر می‌رسد و خواسته‌هایش را افزایش می‌دهد و باور دارد که نفوذش در حال افزایش است. ترامپ جنگی بسیار کوتاه‌تر را پیش‌بینی می‌کرد که چهار تا شش هفته طول بکشد. اما این چیزی نیست که او به دست آورده است. با توجه به اینکه جنگ قبلاً مانند یک باتلاق به نظر می‌رســـید – با کمتر از ســـه ماه دیگر انتخابات میان‌دوره‌ای – این تحولات نســـبتاً ناامیدکننده‌ای هستند.

آمریکا اولین بار در جنگ شکست خورد

جیک اوچینکلاس، عضو کنگره آمریکا، با بیان اینکه «ترامپ، جنگ را به ایران باخت و موجب خفت آمریکا شد»، اظهار کرد: دونالد ترامپ شبکه فاکس نیوز را تماشا می‌کند، بنابراین می‌خواهم این‌جا مستقیماً بگویم: آقای ترامپ، شما نخستین رئیس‌جمهور در تاریخ هستید که یک جنگ را خودتان آغاز کرده‌اید و خودتان نیز آن را باخته‌اید. شما آمریکا را ضعیف‌تر، منزوی‌تر و بی‌احترام‌تر کرده‌اید. در این میان، اسکات ریتر، افسر اطلاعاتی سابق، خاطر نشان کرد: طالبان ما را شکست نداد، شورشیان عراقی ما را شکســـت ندادند، ویتنامی‌های شمالی ما را شکست ندادند؛ ما خودمان را شکست دادیم، اما جنگ ایران متفاوت اســـت. ما به وضوح توســـط ایرانی‌ها در میدان نبرد شکســـت خوردیم. مردم آمریکا هنوز حتی نمی‌دانند که چه اتفاقی دارد می‌افتد و نمی‌فهمند که چطور باختیم؛ به ما گفته شد که ارتشی تریلیون دلاری داریم و ناگهان هیچ منابعی نداریم. ایرانی‌ها این جنگ را تا آخر ادامه دادند؛ آنها برخی از حرفه‌ای‌ترین ذهن‌های نظامـــی قابل تصور را دارند و بهتر از ما برای این جنگ آماده شدند. آنها فناوری عالی و استراتژی‌ای داشتند که نه‌تنها از نظر نظامی قابل‌دستیابی بود، بلکه توسط مردم ایران که صددرصد از نظام خود در این درگیری حمایت می‌کنند، پشتیبانی می‌شد.

مقامات آمریکایی
از تاب‌آوری ایران غافلگیر شده‌اند

نشـــریه آتلانتیک تحلیلی دارد با این مضمون که تشدید جنگ برای آمریکا پرهزینه‌تر شده و دیپلماسی و امتیازدهـــی کم‌خطرترین گزینه ترامپ اســـت: یکی از مهم‌ترین پیامدهای کمبود موشـــک‌های رهگیر این است که تشـــدید جنگ با ایران برای آمریکا اکنون به گزینه‌ای بســـیار پرخطرتر تبدیل شده است. در نتیجه این محدودیت‌ها، دیپلماسی و حتی دادن برخی امتیازات به ایران ممکن است اکنون به کم‌خطرترین گزینه پیش روی ترامپ تبدیل شده باشد. دولت ترامپ در آغاز تصور می‌کرد افزایش فشارهای اقتصادی می‌تواند جمهوری اســـلامی را در مدت کوتاهی مجبور به پذیرش مذاکره و عقب‌نشـــینی کند. اما مقام‌هـــای آمریکایی از میزان تاب‌آوری تهران غافلگیر شده‌اند. ایران در همین دوره، تولید پهپادها و موشک‌های بالستیک خود را افزایش داده و هم‌زمان به حمله علیه کشـــتی‌ها در تنگه هرمز ادامه داده اســـت. این روند باعث شده است مزیت زمانی که واشنگتن تصور می‌کرد در اختیار دارد، به‌تدریج کاهش پیدا کند. کاخ ســـفید نگران بی‌اعتبار شدن تهدیدهای ترامپ علیه ایران است. تهران اکنون بیش از گذشته از محدودیت‌های ایالات متحده آگاه اســـت و می‌داند که واشنگتن هم در زمینه اجرای حملات گسترده‌تر و هم در زمینه دفاع در برابر پاسخ احتمالی ایران با محدودیت‌های جدی مواجه است.

حیرت اسرائیل از سرعت بازسازی دفاعی ایران

روزنامه صهیونیســـتی جروزالم‌پســـت با استناد به ارزیابی مقام‌های ارتش اســـرائیل و سازمان جاسوسی موساد گزارش داد: سرعت خیره‌کننده ایران در بازسازی توان دفاعی خود در جنگ اخیر باعث شوکه شدن تل‌آویو شده است. از ماه مارس سال جاری برخی از رسانه‌های غربی در ادعاهای اسرائیل مبنی بر اینکه صنعت نظامی ایران به مدت چند سال عقب افتاده تردید ایجاد کرده بودند. با این حال، موضع کارشناسان ارتش اسرائیل طی چند ماه گذشـــته همواره این بود که حجم خسارت‌ها آن‌قدر سنگین بوده که تردیدی در عقب‌رفت چندساله ایران وجود ندارد. اما حالا با گذشـــت چهار ماه از پایان جنگ در ماه آوریل، ارتش اسرائیل متوجه شده که ایران با سرعتی غیرمنتظره در حال بازسازی است؛ آن هم نه فقط در یک بخش خاص، بلکه در بسیاری از زمینه‌ها و به‌ویژه در تولید موشک‌های بالستیک.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

آمریکایی‌ها خروج خود از منطقه را تسریع بخشند

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به شکست سه‌گانه تســـلیم، تجزیه و براندازی در برابر مقاومت ملت ایران، اقتدار نیروهای مسلح و مدیریت تنگه هرمز، تاکید کرد که آمریکایی‌ها بدون هیچ تردیدی باید از منطقه خارج شـــوند و به این عقب‌نشینی و فرار خود سرعت بدهند.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شـــورای اسلامی در ســـخنرانی پیش از خطبه‌های نماز عبادی-سیاسی جمعه شیراز اظهار کرد: محرم و صفر عبرت‌های بزرگی برای تاریخ پر